

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۹-۱

New Period 4, No 32, 2021, P 1-9

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۷۰۱۸-۲۴۷۶)

## دولت، ملت‌ها و جهانی شدن

محبوبه جعفرپور

دبیر آموزش و پرورش فی ریزن فارس

دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران

m.jafarpour117@gmail.com

### چکیده

مقاله حاضر، براساس پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل محتوایی کتاب درسی ریاضی اول ابتدایی» تهیه شده است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. در عصر جهانی شدن که نخستین نشانه‌های افول پارادایم دولت-ملت‌سازی پدیدار گردیده، دولت پس از یک دوره منازعات و کشمکش‌های داخلی، وارد مسیر دولت-ملت‌سازی شده است. ورود دیر هنگام به عرصه‌ی دولت-ملت‌سازی، زمانی رخ داد که سایه‌ی جهانی شدن با شتابی خیره‌کننده بر سر قلمروهای سرزمینی سنتی گسترانیده شده، و در پی اشاعه‌ی امواج دموکراتیزاسیون، نسبی شدن هویت‌ها و تضعیف صلح و امنیت بین‌المللی، بسیاری از مفاهیم سنتی علم سیاست از جمله حاکمیت، دولت، مشروعیت، مشارکت، امنیت و هویت، دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** حاکمیت، دولت، مشروعیت، مشارکت، امنیت و هویت.

## مقدمه

دولت‌ها در نظام جهانی جدید چگونه بوجود آمدند؟ چه تفاوتی با نظام قبلی دارند؟ آیا در نظام جهانی جدید باقی می‌مانند؟ جهانی شدن فرایند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان است. جهانی شدن به علت پیشرفت فناوری و حمل و نقل رشد کرد. افزایش کنش متقابل جهانی، رشد تجارت، ایده‌ها و فرهنگ بین‌المللی را به همراه دارد. جهانی شدن بیشتر یک فرایند یکپارچگی و کنش متقابل اقتصادی است که با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده است. اگرچه درگیری و دیپلماسی همواره بخشی از تاریخ جهانی شدن - به ویژه جهانی شدن مدرن - بوده است. طبق برخی دیدگاه‌های موافق با جهانی شدن، این اتفاق در صورت انسجام می‌تواند سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از حد دولت‌ها شود و اهمیت محلات و قومیت‌گرایی را به حداقل برساند. یک جهانی شدن در حقیقت از پیامدهای نوزایی تمدن صنعتی و انقلاب تکنولوژی و گسترش سرمایه‌داری است که در صورت تحقق دور از فساد و نقص می‌تواند به موجب فرایندهای پیچیده، جوامع مدنی را جایگزین دولت‌شهرهای سنتی کرده و در تعاملی برابر به صورتی متوازن باعث توسعه همگانی گردد.

## روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نظر ماهیت، کیفی (مکی و گاس<sup>۱</sup> ۱۲۰۰۵) و از نقطه نظر، شیوهی گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه‌ای - اسنادی (خلیل‌شورینی، ۱۳۹۲) است. روند انجام پژوهش نخست با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط داخلی و خارجی در زمینه‌ی موضوع پژوهش انجام گرفت. پس از آن، ضمن بررسی محورهای اساسی، کلیدواژه‌ها و مفاهیم بنیادی آن گزیده شدند؛ و در ادامه به جایگاه و ارتباط مفاهیم پرداخته شد.

این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌های برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست اولی که به طور مستقیم و غیرمستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته‌ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنا تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجه نظر قرار گرفته است. روش تحقیق به منظور وصول به اهداف، روش توصیفی - تحلیلی است که در آن ضمن توصیف اطلاعات

جمع‌آوری شده، اطلاعات نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این روش اطلاعاتی گردآوری می‌شود که به لحاظ ماهیت کیفی‌اند و در کتابخانه نگهداری می‌شوند. منابع کتابخانه‌ای مورد استفاده عبارتند از کتاب، مقاله و دیگر آثار مکتوب اعم از کاغذی و الکترونیکی و بخشی از گردآوری اطلاعات در روش مذکور از طریق فیش‌نویسی صورت گرفته است. در شیوه پردازش اطلاعات عمدتاً از استنتاج یا استدلال استفاده شده است. برای سازماندهی هرچه بهتر تحقیق بر اساس سوالات اصلی و فرعی، ابتدا مفهوم‌شناسی موضوع و سپس تحلیل محتوا مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

### جهانی شدن

جهانی شدن در زبان فارسی معادل 'در زبان انگلیسی در نظر گرفته شده است. در زبان عربی نیز کلمات «العولمة» و «الکوکبة» معادل جهانی شدن یا جهان‌گرایی ترجمه شده‌اند که عمدتاً کلمه «العولمة» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده جهانی شدن میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع نظر حاصل نشده و هر دسته از آنان به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که بدان تعلق دارند تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده‌اند. در برخی از این تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و در برخی دیگر ابعاد سیاسی، فرهنگی یا ارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. رابرتسون جهانی شدن را مفهومی می‌داند که محصول فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی جهانی است و فرایندی است که وابستگی متقابل افزایش آگاهی مردم از کیفیت جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه در قرن بیست و یکم را به همراه داشته است. (برزگر، کیهان. ۱۳۸۹) رابرتسون جهانی شدن را پدیده‌ای چند وجهی تعریف کرده است به گونه‌ای که به بافت‌های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و محیط‌زیست راه پیدا کرده است. (اکسفورد، باری. ۱۳۸۷). مترجم: حمیرا مشیرزاده) در تعریفی دیگر مارتین آلبرو جهانی شدن را فرایندی دانسته است که براساس آن مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به یکدیگر می‌پیوندند. (آشفتة تهرانی، امیر. ۱۳۸۶)

**امانول ریشتو:** جهانی شدن شکل‌گیری شبکه‌ای است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی، دور افتاده و منزوی بودند در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. (ازغندی، علیرضا و کرمی، صابر. ۱۳۸۶)

### 1. Globalization

### تاریخچه

واژه جهانی شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه اقتصادی پدید آمد به کار گرفته شد. پس از آن و بر سیاق مباحث اقتصادی در موضوعات دیگری که دامن گیر ملل متعددی بود، مثل قاچاق مواد مخدر و تروریسم به کار رفت. متعاقب تحولات شگرفی که در عرصه فناوری و تکنولوژی رخ داد، جریانی ایجاد شد که پیدایش بازار جهانی نخستین پیامد آن بود. در سال‌های پایانی ۱۹۶۰ میلادی تحت تأثیر انقلاب ارتباطات و تقسیم کار جهانی، دامنه جهانی شدن بر کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر شئون زندگی ملل سرایت نمود و تمام این حوزه‌ها را متأثر از خود ساخت (زارعی، آرمان، ۱۳۸۸).

### ابعاد جهانی شدن

جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های متعددی است که از میان آن‌ها پنج بعد دارای ماهیت متفاوت و اهمیت ویژه‌ای است:

**بعد اقتصادی:** سازمان تجارت جهانی یکی از سازمان‌هایی است که بیانگر جهانی شدن اقتصاد در شرایط حاضر می‌باشد. این سازمان از جهانی شدن بازارهای مالی و گسترش آن‌ها و قراردادهای الزام‌آور برای کشورها، جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد و حرکت گسترده کالا در میان مرزها را به وجود آورده‌است.

**بعد فرهنگی:** بسیاری از روشنفکران و تحلیلگران، پدیده جهانی شدن را بیشتر با توجه به بعد فرهنگی و اثرات اجتماعی آن مورد توجه قرار داده‌اند. از بعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر بر ناظر بر فشرده‌گی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است.

**بعد اجتماعی - سیاسی:** این بعد از جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شده و بتوانند به عنوان گروه‌های ذی‌نفوذ بر روی دولت‌ها تأثیر بگذارند و آن‌ها را تحت تأثیر تصمیمات، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند.

**بعد علمی و فناوری:** از این منظر جهانی شدن با انقلاب علمی و دانسته‌های جدید مرتبط است. انقلاب علمی، دانش فنی، ارتباطات و نیروی انسانی نه تنها محرکه اصلی جهانی شدن هستند بلکه جهانی شدن و انقلاب علمی و جهش دانش فنی دوروی جدایی‌ناپذیر یک سکه محسوب می‌شوند. (سلیمی، حسین، ۱۳۸۴)

### دولت‌ها چگونه به وجود آمدند؟

دولت‌های مدرن با مرزهای جغرافیایی صریحاً تعریف شده‌ای مشخص می‌شوند که در درون آنها یک دستگاه سیاسی و اداری وسیعاً شناخته شده انحصاراً عمل می‌کند و در نهایت می‌تواند اقتدار خود را از

طریق کاربرد زور تحمیل کند. این واقعیت که اختلافات ارضی یا مرزی بین دولت‌ها غیرمعمول نیست اصل مرزهای صریحاً تعریف شده را تأیید می‌کند. علاوه بر این، دولت‌های مدرن تا اندازه زیادی با مجاورت سرزمین‌ها، از جمله جزایر ساحلی، مشخص می‌شوند. مواردی مانند آلاسکا که جزء ایالات متحده امریکاست استثنایی بر این قاعده کلی است، اما از نظر تاریخی رابطه‌ی بین سرزمین و دستگاه سیاسی و اداری در دولت‌های ماقبل مدرن کمتر آشکار است. در واقع، بسیاری از جوامع ابتدایی جوامع «بی‌دولت» توصیف می‌شوند از این جهت که دارای قلمرویی هستند که بخوبی تعریف نشده است و فاقد یک دستگاه سیاسی و اداری صریحاً تعریف شده هستند. بیشتر قلمرو امپراتوری‌های جهان باستان صریحاً تعریف شده بود، اگرچه وسعت آن به طور قابل ملاحظه‌ای فرق می‌کرد و در سرزمین‌های پیرامونی حکومت امپراتوری مرزها به هیچ وجه صریحاً مشخص نبود. با وجود این امپراتوری‌های بین‌النهرین، مصر، یونان و روم با ساختارهای سیاسی و اداری پیچیده‌شان وجه اشتراک زیادی با دولت‌های مدرن داشتند. همین مطلب در مورد تمدن‌های باستانی چینی‌ها، هندوها، مایاها، آزتک‌ها و اینکاها صادق بود. همه آنها در مفهوم وبری به طور مشخصی دولت بودند (سجادپور، محمدکاظم، ۱۳۸۲).

### دولت‌ها چه تفاوتی با نظام قبلی دارند؟

نדיشمنان علوم سیاسی براین باورند که برای اولین بار مفهوم دولت به معنای مدرن در نوشته‌های نیکولاماکیاولی در کتاب شهریار (۱۵۳۲) به لفظ state به معنای حاکمیت برسرزمین استفاده شده است. آن چیزی که میان دولت مدرن و پادشاهی‌های گذشته تفاوت ایجاد می‌کند تفاوت بین فرمانروایان و جایگاه سیاسی است که آنها اشغال می‌کنند. دولت مدرن با خصوصیت غیرفردی است تمیز داده می‌شود. دارندگان فعلی قدرت در حکومت خودشان دولت را ایجاد نکرده‌اند. دولت پیش از آن که آنها برسر قدرت بیابند وجود داشته است و بعد از رفتن آنها نیز ادامه حیات خواهد داد. مثلاً پادشاهی سامانیان را در نظر بگیرید. در دوران سامانی که دوران امپراطوری و شاهان سنتی بود با برآمدن آنها حکومت سامانیان بر بخش‌هایی از ایران امروز و افغانستان و تاجیکستان فرمانروایی کردند، اما دولت به معنای مدرن پدید نیامد و با برافتادن شاهان سامانی دولتشان نیز از میان رفت. اما در دوران مدرن با حذف خانواده قاجار و آمدن خاندان پهلوی دولت ایران به ادامه حیات خود ادامه داد و ایران منوط به قاجاریه نبود. (گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱)

### دولت‌ها آیا در نظام جهانی جدید باقی می‌مانند؟

برخی نظریه پردازان علاقمند به بررسی ریشه‌های تاریخی ساختارها و شبکه‌های نظام جهانی کنونی برآنند که مبداء فرایند جهانی شدن را باید در تمدن‌های باستان جستجو کرد از دیدگاه آنان با شکل‌گیری چنین

تمدن‌هائی در واقع فرایند جهانی شدن آغاز می‌گردد چرا که تمدن‌ها به اقتضای منطق و ساختار درونی خود، تمدن‌هائی گسترش طلب بودند. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳) جغرافیا، سیاست و فرهنگ همواره مهمترین عوامل مرز آفرین در برابر گسترش طلبی و جهان‌گرایی امر اجتماعی بوده‌اند و روابط اجتماعی را در قلمروهای محلی و ملی محصور کرده‌اند. بنابراین هر تحولی که، مرگ جغرافیا، را به ارمغان آورده، قابلیت و توانائی تهدیدکنندگی دولت را کاهش دهد و از تصلب و انسداد فرهنگ بکاهد، عامل جهانی ساز و ادغام گراست. تاریخچه تصور و اندیشه فرهنگ واحد جهانگیر به امپراتوری‌های باستان مانند چین یا رم می‌رسد. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۸)

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جهانی شدن و جهانی سازی معمولاً به مثابه مفاهیمی مترادف، بکاربرده می‌شوند در صورتی که در معنا و در لفظ مشترک نیستند و دارای معانی کاملاً متفاوتی هستند. در روند جهانی شدن حرکت‌ها کاملاً طبیعی است و اراده خاصی خواسته‌های خود را بر جامعه جهانی و ملت‌ها تحمیل نمی‌کند در این شرایط، نظریه‌پردازی‌های بیشتر به صورت تحلیل وضعیت آینده با توجه به اخبار و اطلاعات و پیش‌بینی آینده است. در زمینه جهانی سازی نیز قدرت‌های بزرگ برای سوق دادن جامعه جهانی به سوی اهداف از پیش‌طراحی شده، برنامه‌ریزی می‌کنند. بعبارتی دیگر در روند جهانی سازی، ارده معطوف به قدرت می‌کوشد خواسته‌ها و منافع خود را بر دیگر ملت‌ها تحمیل کند و به تثبیت رهبری خود بر آنان می‌پردازد. قدرت‌های سلطه‌گر منافع ملت‌ها را در مسلخ منافع خود قربانی می‌کنند و از فرآیندهای تسریع‌کننده جهانی شدن، برای گسترش سیطره خود بر مقدرات جامعه جهانی بهره می‌گیرند.

### پیشنهادات کاربردی

نظریه‌پردازان مختلف مراحل آغازین فرایند جهانی شدن را در ده‌ها، صدها و حتی هزاران سال پیش جستجو و شناسائی کرده‌اند. آنان پرشتاب‌تر و گستره شدن فرایند جهانی شدن را در دهه‌های اخیر می‌پذیرند ولی آن را بسیار قدیمی‌تر می‌دانند. فرایند جهانی شدن از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی می‌باشد. لذا در این خصوص پیشنهاد می‌گردد:

- روشن‌ترین و شفاف‌ترین تعابیر و تعاریف از موضوع جهانی شدن در قرآن کریم و مکتب اهل بیت علیه‌السلام، بیان شده است.
- وقتی فرهنگی در محیط فرهنگی مخالف بخواهد ابراز وجود کند موجب درگیری و خشونت خواهد شد.

– نبرد برای فرهنگ خویش در یک قلمرو فرهنگی دیگر، خود موجب می‌شود که آدمی نتواند دریابد که ممکن است فرهنگ خود را از درون از دست بدهد.

– حمل و نقل سریع و فناوری و اطلاعات می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی را از میان ببرد.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا و کرمی، صابر. (۱۳۸۶). قوم‌گرایی و ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک در عراق، فصل‌نامه‌ی تخصصی علوم سیاسی. شماره‌ی ۷.
- اکسفورد، باری. (۱۳۸۷). نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ (مترجم: حمیرا مشیرزاده). تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- آشفته تهرانی، امیر. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جهانی شدن. تهران: انتشارات دانژه.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۹). چالش‌های دولت‌سازی - ملت‌سازی در عراق، مجله‌ی مهرنامه. شماره‌ی ۲۰ آذر ماه.
- خلیلی شوری، سیاوش (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: یادواره کتاب
- روزنا، جیمز. (۱۳۸۳). آشوب در جهان سیاست، (مترجم: علیرضا طیب). تهران: انتشارات روزنه.
- زارعی، آرمان. (۱۳۸۸). تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴). تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران. انتشارات باز.
- زرگر، افشین. (۱۳۸۷). مدل‌های دولت - ملت‌سازی، فصل‌نامه‌ی تخصصی علوم سیاسی. سال چهاردهم. شماره‌ی هفتم.
- سجادی‌پور، محمد کاظم. (۱۳۸۲). جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی شدن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم (روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کلارک، یان. (۱۳۸۲). جهانی شدن و نظریه‌ی روابط بین‌الملل (مترجم: فرامرز تقی‌لو). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- متقی، ابراهیم و محمد حسینی، مسعود. (۱۳۹۱). فرصت‌ها و تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال دولت - ملت‌سازی در عراق، مجله‌ی سیاست دفاعی. سال بیستم، شماره‌ی ۸۰.
- والتز، مالکوم. (۱۳۷۹). جهانی شدن (مترجم: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

(ب) منابع لاتین

- \_\_\_ Brahim, Lakhdar, (2007), State Building In Crisis And Post-Conflict Countrism, Global Forum on Reinventing Government Building Trust in Government, 26-29.
- \_\_\_ Azeez, Hawzhin,(2010),Reconstructing Iraq; Iraq State-building, Nation-building, and Violence. New York: Oxford University Press. , No. 1.
- \_\_\_ Kahler, Miles: (2005) StatebuildingafterAfghanistanAndIrag, International Security, 30, 4 (Spring).
- \_\_\_ Katzman, Kenneth, (2013) Iraq: Politics, Governance, and Human Rights, Specialist, in Middle Eastern Affairs, August 22.
- \_\_\_ Lakić, Nikola, (2011) is globalization a challenge or a threat to nation-states as a dominant form of polity? Scientific article, August 2011, UDK: 321. 8; 316. 334. 2/. 3.
- \_\_\_ Lawson, Chappell, (2003), Will Iraq Become a Democracy? Cambridge, MA 02139.
- \_\_\_ Mackey, A. , & Gass, S. M. (2005). Second language research: methodology and design. Mahwah, N. J. : Lawrence Erlbaum Associates.

